

فمینیسم و دیدگاه‌ها

مجموعه مقالات

ترجمه: انجمن جامعه‌شناسی ایران
گروه مطالعات زنان

تنظیم: دکتر شهلا اعزازی

انتشارات روشنگران و مطالعات زنان

فهرست

- پیشگفتار ۵
- نگرش زنان، نقد رادیکالِ جامعه‌شناسی ۲۳
دُرْتی اسمیت / نوشین احمدی خراسانی
- آیا نسبت زن به مرد مانند نسبت طبیعت به فرهنگ است؟ ۳۷
شری ب. اورتر / فیروزه مهاجر
- جنسیت، رابطه و تفاوت در نگرش روان‌کاوی ۷۳
نانسی جولیا چودوروف / منیژه نجم عراقی
- آیا هویت جنسیتی مردانه توجیهی است برای سلطه‌ی مردانه؟ ۱۰۱
آیریس ماریون یانگ / فرخ قره‌داغی
- جامعه‌پذیری: زنان و مردان چگونه ساخته می‌شوند؟ ۱۳۵
بریگیته بروک و همکاران / مرصده صالحپور
- بازاندیشی در مفاهیم جنس و جنسیت ۱۵۹
کریستین دلفی / مریم خراسانی
- جامعه‌شناسی انتقادی و روابط جنسی ۱۸۳
کتی دیویس / فریده حمیدی
- جنسیت، طبقه و قشربندی: رهیافتی نو ۲۰۹
سیلویا والبی / نیره توکلی

- ۲۱۵ سرمایه‌داری، مردسالاری و تفکیک شغل براساس جنس.
هایدی هارتمن / آویده نهاوندی
- ۲۴۳ سرمایه‌داری و رهایی زن
میشل بارت / نسترن موسوی
- ۲۵۷ گوناگونی کارهایی که همسران انجام می‌دهند
کریستین دلفی، دیانا لئونارد / فریده همتی
- ۲۷۹ کارگران خانگی
سالی وستوودن / الهه غیاثوند
- ۲۸۹ پژوهش برای زنان: روش‌های فمینیستی
نوشته: Lisa Cosgrove _ Maureen C. McHugh / دکتر ابوالقاسم پوررضا

نگرش زنان، نقد رادیکال جامعه‌شناسی^۱

دُرْتی اسمیت / نوشین احمدی خراسانی

این مقاله، هم نقدی پیشروست بر فرضیاتِ مردمحوری که بنیانِ جامعه‌شناسیِ رایج و غالب را شکل می‌دهند و هم کندوکاوی است برای شکل‌دهی دوباره‌ی جامعه‌شناسی از منظرِ زنان. بحث اسمیت نقشی بسیار اساسی در رشدِ آنچه در مباحثِ شناخت‌شناسی، نظریه‌ی «دیدگاه فمینیستی» نامیده می‌شود، داشته است.

برگرفته از مجله‌ی جستار جامعه‌شناختی^۲

شماره‌ی ۴۴(۱)، ۱۹۷۴، صص. ۷۰-۱۳، تگزاس

به یاریِ درکی که جنبش زنان از حقوق‌مان به ما ارزانی داشته، توانسته‌ایم به‌جای معتبردانستنِ تمایلاتی که به شکل سنتی در جامعه‌شناسی مردساخته ارائه می‌شود، تمایلات و علایق زنان را در جامعه‌شناسی مطرح کنیم. ما از دست‌یافتن به این واقعیتِ اجتماعی که در گذشته دست‌رسی ناپذیر و در واقع سرکوب‌شده بود چه حاصلی می‌بریم؟ وقتی شروع به درک واقعیت اجتماعی بر اساس رشته‌ی مورد مطالعه‌ی خود کنیم و با آن پیوند یابیم چه اتفاقی می‌افتد؟

-
1. Women's perspective as a radical critique of sociology by Dorothy Smith.
 2. Sociological inquiry

البته می‌توانیم مانند بسیاری از افراد صرفاً به اضافه کردن برخی واحدهای درسی به مجموعه‌ی موجود بسنده کنیم ... ولی با نگرش عمیق‌تر یا شاید تنها با تعمق بیشتر، در وهله‌ی نخست ممکن است این سؤال در ذهن ما ایجاد شود که اگر جامعه‌شناسی بررسی خود را از زاویه‌ی جایگاه سنتی زنان در آن آغاز کند چگونه به نظر خواهد آمد و چه بر سر این‌گونه جامعه‌شناسی‌ای می‌آید که تلاش می‌کند تا به این موضوع به‌طور جدی بپردازد؟ من دریافته‌ام که دنبال کردن این خط فکری، پیامدهایی گسترده‌تر از آن‌چه در بدو امر به نظر می‌رسد، دارد.

از زاویه‌ی «جایگاه زنان» ارزش‌هایی که به سویه‌های مختلف جهان نسبت داده می‌شوند، دست‌خوش تغییر و تحول‌اند. در حالی که برخی اقدامات جامعه‌شناختی رایج اهمیت می‌یابند، برخی دیگر بی‌اهمیت می‌شوند ...

اما کافی نیست که با پرداختن به آن‌چه حذف و نادیده‌انگاشته‌شده، یا ابداع موضوعات جامعه‌شناختی مربوط به جهان زنان، کم‌بود جامعه‌شناسی رسمی را جبران و آن را تکمیل کنیم. این کار صرفاً به بسط و گسترش اقتدار جامعه‌شناسی موجود منجر می‌شود و جامعه‌شناسی زنان را به ضمیمه‌ی آن تبدیل می‌کند. ما نمی‌توانیم به چنین مبنایی تکیه کنیم زیرا توضیحی درباره‌ی جدایی بین این دو جهان ارائه نمی‌کند و تحلیل یا توضیحی درباره‌ی رابطه‌ی آن دو به دست نمی‌دهد ...

جامعه‌شناس مرد وقتی شروع به کار می‌کند وارد جامعه‌ای می‌شود که از لحاظ مفهومی نظم‌یافته است. او نه تنها در مقام یکی از اعضای چنین جامعه‌ای به آن قدم می‌گذارد بلکه شیوه‌ای که به واسطه‌ی آن جهان را بررسی می‌کند نیز جزئی از آن جامعه محسوب می‌شود. البته نوع مشاهده و تحلیل، توضیح و بررسی او به نحوی است که گویی هیچ معضلی درباره‌ی این‌که چگونه این جهان برای او قابل مشاهده شده است، وجود ندارد. او در میان اقدامات سازمان‌ها،

فرآیندهای حکومتی، دستگاه‌های اداری، دیوان‌سالاری و مانند آن، همانند شخصی که به محیط مسلط و آشناست حرکت می‌کند. سرشت این جهان، نحوه‌ی شناخته‌شدن‌اش برای او، شرایط وجودی آن یا رابطه‌ی او با این جهان مورد پرسش قرار نمی‌گیرد. روش‌های مشاهده و تحقیق او فرآیندهایی هستند که اساساً از دل همین نظم بیرون آمده‌اند. این فرآیندها پدیده‌هایی را به وجود می‌آورند که جامعه‌شناس با آن‌ها سروکار دارد یا آن‌ها را به واسطه‌ی این نظم مورد قضاوت قرار می‌دهد. چشم‌انداز، نگرش و تمایلات وی ممکن است متفاوت باشد، ولی مبنا و محتوا همان است. او از اطلاعاتی استفاده می‌کند که بر اساس نوعی خاص از واقعیات فراهم آمده است و به صورت اسناد و مدارکی ارائه می‌شود که خود در واقع محصول فرآیندهای سازمانی هستند - خواه جامعه‌شناس خودش آن‌ها را تهیه کرده یا بر تولیدشان نظارت داشته باشد، خواه برخی ادارات دیگر این کار را انجام داده باشند. به هر حال وی این اطلاعات را در چارچوبی از حقایق و فرآیندهای سازمانی که آن‌ها را امور بدیهی می‌پندارد قرار می‌دهد بدون این‌که درباره‌ی نحوه‌ی شناسایی آن‌ها چون‌وچرا کند یا جویای شناخت آن فرآیندهای اجتماعی باشد که به وسیله‌ی آن‌ها امکان شناخت پدیده‌هایی که باعث وقایع، اعمال، تصمیمات و ... در این جهان‌اند، فراهم شود. او از ورای موقعیت و محیط خاص و بی‌واسطه‌ای می‌گذرد که در آن همیشه در کالبد (دفتری که در آن می‌نویسد، کتاب‌خانه‌ای که می‌رود، خیابانی که از آن می‌گذرد و اتاقی که به آن باز می‌گردد) جای می‌گیرد بدون هیچ‌گونه حسی از حالت گذار. او در همان محیطی که کار می‌کند، مطالعه می‌کند.

اما او نیز همانند هر فرد دیگری، در کالبد، در مکانی که کالبد در آن هست، وجود دارد. پس کالبد همچنین مکان سازمان‌دهی حسی تجربه‌ی بی‌واسطه‌ی اوست؛ مکانی که در آن محورهای مختصات این‌جا، حالا، قبل و بعد از آن، حول